

Tuesday, August 06, 2019
9:54 AM

شاخصه‌های جوانان در قرآن

سید کریم حسینی^۰

چکیده

یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبر اسلام ﷺ ایجاد اخلاق نیکو در بین جامعه بوده و با اخلاق پسندیده و نیکو توانست اسلام زود نشر و گسترش بدهد. به دست آوردن اخلاق حسنه در سن جوانی بسیار مهم می‌باشد، لذا قرآن در این زمینه آیات فراوانی دارد و جوانان را به این امر دعوت می‌کند. از جمله اخلاق حسنه‌ای که برای جوانان در قرآن آمده است تحصیل علم و دانش، کار و کوشش، اهتمام به ازدواج و ایثار است که در این مقاله به شرح و توضیح آنها پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: شاخصه، جوان، علم و دانش، قرآن، ازدواج.

* دانش‌پژوه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی و استاد جامعه المصطفی العالمیه واحد گرگان.

مقدمه

هدف از ارسال انبیا و انزال کتب تخلّق به اخلاق حسنه می‌باشد که با تزکیه و تعلیم محقق می‌شود. قرآن در این باره در آیاتی می‌فرماید: «لقد منّا الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولاً من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین»؛ به راستی خداوند بر مؤمنان منت نهاد آن‌گاه که در میان آنان پیامبری از میان خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنان می‌خواند و پاکیزه‌شان می‌دارد و به آنان کتاب و حکمت می‌آموزد در حالی که در گذشته در گمراهی آشکاری بودند. (آل عمران: ۱۶۴)

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»؛ همانا من برای تتمیم و تکمیل مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام. (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۶) حرف انما در ابتدای حدیث به حصر و تمرکز بر اخلاق دلالت دارد. هر چند که پیامبر ﷺ برای بیان عقاید و احکام نیز مبعوث شده است، ولی برای اخلاق جایگاهی ممتاز در نظر می‌گیرد و می‌فرماید: برای اتمام مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام؛ «بعثت بمکارم الاخلاق و محاسنها، برای ارائه و تعلیم مکارم و محاسن اخلاق، مبعوث شده‌ام. (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۰۵) چرا که همان گونه که قرآن می‌فرماید فلاح و رستگاری در التزام به مکارم اخلاقی نهفته است و بدون اخلاق، احکام نتیجه‌ای مطلوب به همراه نخواهند داشت و بهترین زمانی که انسان می‌تواند اخلاق خود را نیک بگرداند زمان جوانی است و قرآن شاخصه‌هایی را برای این دوره از زندگانی بیان کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی

عده‌ای جوان را به دو نحو تعریف می‌کنند؛ تعریف اول اینکه جوان شخصیتی است دارای سن خاص و حالات روحی و روانی و نیازهای مخصوص و تعریف دوم ایشان از جوان این است که جوان کسی است که به خاطر تحصیلات و سواد و آشنایی‌اش با اندیشه‌های جدید، دارای فکر نو و سئوالات تازه است و حاضر نیست مانند جوانان نسل گذشته بدون دلیل عقلی و منطقی همه چیز را بپذیرد. به عبارت دیگر، جوانان امروز چشم و گوششان بیشتر باز شده است و به همین دلیل است که رهبری، ارشاد و هدایت جوانان امروز به مراتب مشکل‌تر از نسل جوان گذشته است. (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۹۰)

۲. سنین جوانی و اهمیت آن در قرآن

از نظر قرآن مجموع فراز و نشیب زندگی بشر در سه مرحله می‌باشد؛ مرحله ضعف کودکی، دوران قوت و قدرت جوانی و مرحله ضعف و ناتوانی پیری. چنانچه می‌فرماید:

«اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا شَبِيهًا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ»؛ خدا همان کسی است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید، سپس بعد از این ضعیف و ناتوانی قدرت بخشید و باز بعد از قوت، ضعیف و پیری قرار داد، او هر چه بخواهد می‌آفریند و اوست عالم و قادر. (روم: ۵۴)

از دید قرآن، جوانی دوران قدرت است و جوان بر بالای قله زندگی خویش ایستاده و باید از این موقعیت بهترین استفاده را کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَلَكًا يَنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ فِينَادِي يَا أَبْنَاءَ الْعَشْرِينَ جَدُّوا وَاجْتَهِدُوا؛ همانا که خداوند متعال فرشتگانی دارد که هر شب نزول می‌کنند و ندا می‌دهند ای جوانان بیست سال کوشش و جدیت کنید و برای نیل به کمالات انسانی مجاهده نمایید. (نوری، بی تا، ج ۱۲: ۱۵۷)

خدای متعال در قرآن مراحل مختلف حیات انسان را ذکر می‌کند و دوران جوانی را تحت عنوان «بلوغ اشد» معرفی می‌کند: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عِلْقَةٍ ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شَبْوَحًا وَ مِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَىٰ مِنْ قَبْلِ وَ لَتَبْلُغُوا رَجُلًا مَسْمًى وَ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ اوست خدایی که شما را از خاک (ناجیز) بیافرید و سپس از قطره آب نطفه و آنگاه از خون بسته علقه، سپس شما را از رحم مادر طفلی بیرون آورد تا آنکه به سن رشد و کمال برسید و باز پیری سالخورده می‌شوید و برخی از شما پیش از سن پیری وفات کنید و همه به اجل خود می‌رسید، تا مگر قدرت خدا را تعقل کنید. (غافر: ۶۷)

در تفسیر المیزان ذیل آیه آمده است:

لام در جمله «ثم لتبلغوا اشدكم» لام غایب و گویا متعلقش حذف شده و تقدیرش این است «ثم ینشئکم لتبلغوا اشدکم» یعنی پس شما را نشو و نما می‌دهد تا به حد بلوغ برسید و حد بلوغ اشد از عمر آدمی آن زمانی است که نیروی بدنی انسان به حد کمال می‌رسد. (طباطبایی، بی تا، ج ۱۷: ۵۲۵)

بنا بر بیان آیات، حیات انسان شامل دوران رحم، مرحله طفولیت، دوران نوجوانی و سپس مرحله پیری می‌باشد و مرحله جوانی دورانی مهم است و گویا هدف و غایت مراحل قبل می‌باشد چرا که با عبارت «ثم لتبلغوا اشدکم» بیان شده است، یعنی «تا اینکه برسید به دوران جوانی».

علاوه بر این از منظر مرز خروج از دنیای کودکی به دنیای نوجوانی نیز مطرح شده است، آنجا که می‌فرماید: و إذا بلغ الأطفال منكم الحلم فليستذنوا كما استذن الذين من قبلهم... (نور: ۵۹) و آنگاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان با اجازه وارد شوند... (همان)

۳. الگویابی

یکی از ویژگی‌های شخصیت دوران جوانی الگویابی است که در راستای رشد و شکل‌گیری هویت رخ می‌دهد. جوانان به دنبال الگویی هستند که آن را دوست داشته باشند و سعی می‌کنند شخصیت خود را مطابق با آن الگو کنند.

انتخاب الگو در راستای ارزش‌های هر فرد می‌باشد؛ جوانانی که ارزش‌های معنوی، دینی و اخلاقی برایشان مهم است الگوهای خود را از میان شخصیت‌های مذهبی پیدا می‌کنند و جوانانی که قدرت بدنی، جمال ظاهری، ثروت و امثال این‌ها برایشان مهم است از افرادی که در این زمینه‌ها مطرح هستند، پیروی می‌کنند.

نیاز به الگو و توجه به آن از دیدگاه قرآن نیز مطرح گردیده و خداوند متعال بهترین اسوه و سرمشق را برای بشر معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱)

برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

خداوند پیامبر ﷺ را بهترین الگو برای انسان‌ها معرفی می‌نماید و در کنار ارائه الگو، ارزش‌های اساسی حیات انسان را نیز مطرح می‌کند. ارزش‌هایی چون ایمان به خدا و روز قیامت که انگیزه حرکت در مسیر زندگی هستند و یا به خداوند که تداوم بخش آن است و بدون شک کسی که قلبش از چنین ایمانی لبریز نباشد پیروی از رسول خدا ﷺ برایش مقدور نیست.

شناساندن الگوهای ایمانی و اخلاقی از وظایف مربیان، والدین و مسئولان امور آموزشی و تربیتی می‌باشد. اگر شخصیت پر نفوذ رسول خدا ﷺ به ویژه دوران جوانی ایشان به جوانان شناسانده شود و بر عنصر اخلاقی شخصیت وی که «محمد امین» لقب یافته بود تأکید شود و این حقیقت بیان شود که آن حضرت در جوانی به این لقب مفتخر شده بودند.

خداوند متعال نه تنها در قرآن پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان الگوی نمونه معرفی می‌نماید، بلکه ماجرای زندگی و ویژگی‌های جوانانی را نیز فرموده بهترین الگو و سرمشق برای جوانان هستند. جوان شجاع، پر شور، انقلابی و مبارزی که در شانزده سالگی در مقابل طاغوت زمانه ایستاد و بت‌شکنی نمود و با منطق صریح خود مردم را متوجه اشتباهاتشان نمود، کسی نیست جز حضرت ابراهیم علیه السلام.

در سوره مبارکه انبیاء آمده است که حضرت ابراهیم مبارزه علیه بت‌پرستی را از خانواده و نزدیکانش شروع کرد و با دلایل منطقی و استدلال‌های محکم آنان را به سوی توحید دعوت می‌نمود، ولی به سبب بی‌اعتنایی قومش تصمیم به انجام کاری

گرفت تا آنان را منقلب کند و تأثیر بی‌شتری بگذارد، لذا روزی که مردم به خارج شهر رفته بودند همه بت‌ها را شکست و تبر را بر گردن بت بزرگ نهاد. وقتی مردم این صحنه را دیدند گفتند تنها کسی که می‌تواند این کار را کرده باشد، جوانی به نام ابراهیم است. «قالوا سمعنا فتی یذکرهم یقال له ابراهیم»؛ گروهی گفتند: شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بت‌ها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گفتند. (انبیاء: ۶۰)

و قیل ان ابراهیم القی فی النار و هو ابن ست عشرة سنة: (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۲۵)

و گفته شده که ابراهیم در آتش افکنده شد در حالی که شانزده ساله بود.

گروهی از جوانان نیز در قرآن مطرح شده‌اند که با وجود اینکه از نظر مقام و ثروت در بهترین شرایط و موقعیت اجتماعی بودند، ولی وقتی حقیقت توحید را دریافتند و به خدای یگانه و روز معاد ایمان آوردند، زر و زیور را رها کردند به غار خشن و خشک پناه بردند و در راه ایمان و عقیده از جان خود نیز دریغ نورزیدند و اسوه جوانان عالم شدند.

اذ اوی الفتية الی الکهف فقالوا ربنا من لدنک رحمة و هیء لنا من امرنا رشداً. (کهف: ۱۸)

۱۸) زمانی را به خاطر بیاور که این گروه از جوانان به غار پناه بردند و گفتند: پروردگارا ما را از سوی خودت رحمتی عطا کن و راه نجاتی برای ما فراهم ساز.

«انهم فتية آمنوا بربهم و زدناهم هدی». (کهف: ۱۳) از بها جوانی بود ند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.

همچنین خداوند متعال در یک سوره کامل ماجرای زندگی حضرت یوسف علیه السلام را بیان می‌کند و او را جوانی نیکوکار معرفی می‌کند که سبب احسان و نیکوکاری و اخلاق نمونه‌اش در زمان جوانی خداوند چشمه‌های علم و حکمت خود را بر قلب او جاری می‌سازد و این وعده را به تمام جوانان می‌دهد که اگر یوسف‌گونه در زمره «محسنین» قرار گیرند، پاداش‌شان را دریافت خواهند کرد. و لما بلغ أشد اتینا حکماً و علماً و کذلک نجزی المحسنین. (یوسف: ۲۲) و هنگامی که به سن رشد و کمال جوانی رسید به او حکمت و علم دادیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

حکمت و علمی که خداوند به یوسف داد موهبتی ابتدایی نبود بلکه به عنوان پاداش به وی داده شد چرا که او از نیکوکاران بود و جمله «و کذلک نجزی المحسنین» اشاره به این معنی می‌کند و از این جمله همچنین این معنا مشخص می‌گردد که خداوند از این علم و حکمت به همه نیکوکاران می‌دهد، البته هر کسی به قدر نیکوکاریش... (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۱: ۱۶۰)

علاوه بر نیکوکاری، ویژگی ممتاز این جوان نمونه، عفت و پناه‌بردن به حُسن حصین الهی در مقابل آلودگی است. یوسف (۷) در صحنه آزمایشی بسیار سخت و عظیم قرار می‌گیرد و در بحبوحه جوانی و قدرتمندی می‌فرماید: ... پناه به خدا که او مربی من

است و منزلت مرا نیکو داشته است، مسلماً ستمگران رستگار نمی‌شوند. (یوسف: ۲۳)

یعنی پناه می‌برم به خداوند که پروردگار من است و ظالمان و ستمگران رستگار نمی‌شوند.

آری یوسف الگوی پاکدامنی و عفت برای جوانان است و مطالعه دقیق و صحیح زندگی او از ضروریات است که باید مورد توجه والدین، مربیان، مسئولان آموزشی و حکومتی و خود جوانان قرار گیرد. علاوه بر یوسف، حضرت مریم نیز به عنوان دختری عقیف و پاکدامن و اسوه تقوی، عبادت و ایمان معرفی می‌گردد و او بانویی است که خداوند به خاطر عفتش او را می‌ستاید و شایسته دریافت روح الهی می‌گردد.

«و مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنْتِ مِنْ الْآقَاتِينَ» (تحریم: ۱۲) و مریم دختر عمران مثل زده شده که دامان خود را پاک نگه داشت و ما از روح خود در او می‌دمیدیم، او کلمات پروردگار و کتابهایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.

امید است که جوانان با ایمان به نحو احسن الگوهای قرآنی را شناسایی نموده و آنان را سرمشق خود قرار داده و به سر منزل کمال و تعالی راه یابند.

۴. ضرورت تناسب تربیت با شرایط زمان

حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: لائقه سروا اولادکم علی آدابکم فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم؛ (طباطبایی، بی‌تا، ج ۱۱: ۲۶۷) فرزندان خویش را مجبور نکنید که به آداب و رسوم شما عمل کنند، چون آنان متعلق به زمان دیگری هستند و باید متناسب با زمان خود تربیت شوند.

کلام امیرالمؤمنین علیه السلام در تربیت فرزندان متناسب با زمان تکیه بر این دارد که باید فنون و علوم را مطابق روز به فرزندان یاد بدهیم و گرنه امکان موفقیت آنان را از بین برده‌ایم. همچنین آن حضرت فرموده‌اند: اولی الاشیاء أن يتعلمها الأحداث اشیاء التي اذا صاروا رجالاً احتاجوا إليها؛ برترین چیزهایی که خوب است جوانان یاد بگیرند، چیزهایی است که وقتی مرد شدند به آن احتیاج داشته باشند. (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲۰: ۳۳۳)

۵. ضرورت ایجاد شغل

یکی از عناصر مهم حیات اجتماعی جوانان انتخاب شغل و شروع منظم و کارآمدتر فعالیت اجتماعی است. جوانان خواهان ورود به اجتماع هستند تا انرژی و تازگی وجود خویش را در راه پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی صرف کنند و از جانب اجتماع جدی تلقی شوند. آنان از تأثیرگذارترین عوامل انسانی در جامعه بشری هستند و هر گونه

تعالی و ترقی و پیشرفت در ابعاد مادی و معنوی مرهون توانایی‌ها، آمادگی‌ها و استعدادهای جوانان یک جامعه است.

هویت شغلی به صورتی بسیار ساده از دوره کودکی شروع به شکل گرفتن می‌کند و کودکان به خیال‌پردازی‌های شغلی می‌پردازند و در نوجوانی با بروز توانایی‌های فکری و تفکر انتزاعی به آزمایش ذهنی مشاغل پرداخته و می‌فهمند که به دست آوردن یک شغل مستلزم توانایی‌ها و آموزش‌های خاص است و بالاخره مرحله واقع بینی شغلی در جوانی حاصل می‌شود.

در تعلیم عالی‌ه اسلام علاه بر تأکید بر ضرورت تربیت متناسب با فنون و علوم زمان، تأکید فراوان بر ایجاد شغل مناسب برای فرزندان نیز شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: یا علی حق الولد علی والده أن یحسن اسمه و أدبه و یضعه موضعاً صالحاً؛ (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۱: ۸۵)

پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت علی رضی الله عنه فرموده‌اند که ای علی، حق فرزند بر پدرش این است که برای او نام خوب انتخاب کند، در ادب و تربیتش بکوشد و او را به کار شایسته‌ای بگمارد. داشتن شغل و قبول مسئولیت نه تنها وسیله امرارمعاش است بلکه خود مایه عزت نفس و شرف اجتماعی و از عوامل مؤثر اعتماد به نفس و اثبات شخصیت است.

جوانی که کار می‌کند و در آمد شخصی دارد، خود را مستقل و آزاد می‌بیند و در باطن احساس سربلندی و افتخار می‌کند، به خود حق می‌دهد که در جامعه اظهار وجود نماید و خویشتن را به عنوان یک عضو مفید اجتماع به حساب آورد. بالعکس اگر جوانی که همه وجودش توانمندی و هیجان و غرور است نتواند شغل مناسب پیدا کند و به خواسته‌های فطری خویش دست یابد، در معرض شدید نگرانی، اضطراب، افسردگی و به دنبال آن خطر انحراف و آلودگی باشد حضرت علی رضی الله عنه فرموده‌اند: من الفراغ تکون الصبوة؛ (آمدی، ۱۳۶۶: ۳۲۵۰) حالات و رفتارهای جاهلانه جوانی ناشی از بیکاری است. جوانان وظیفه دارند با تلاش و همت عالی به کسب مهارت‌های لازم جهت شایستگی برای یک شغل مناسب، بپردازند و بدانند سعی و تلاش برای امرار معاش در شریعت اسلام امری است که دارای اجر معنوی بالایی می‌باشد و کسی که از قبول مسئولیت و سعی و تلاش شانه خالی کند، مورد بدبینی اسلام است.

والدین و مسئولان محترم حکومتی نیز باید تمام نیروها و سعی و تلاش خود را جزم کنند تا شرایط کار و کسب شغل را برای جوانان فراهم نمایند، چرا که بیکاری عامل بسیاری از خطرات برای جامعه و جوانانش می‌باشد.

بیکاری اگر منجر به فقر گردد، اساس اعتقادات و ایمان را با مشکل مواجه می‌کند و جامعه را در سراسیمگی سقوط و ناامنی قرار می‌دهد.

۶. اخلاق حسنه جوانان در قرآن

دوران جوانی، حساس و سرنوشت ساز و تعیین کننده شخصیت انسان است. برای استفاده صحیح از جوانی، باید به یک راهنمای آگاه و آشنا به مسیر و دور از خطا و اشتباه رو آورد و بهترین راهنما قرآن و احادیث صحیح معصومین علیهم السلام است. قرآن دوران جوانی را دوران قوت و قدرت می‌نامد:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً»؛ خداوند همان کسی است که شما را آفریده در حالی که ضعیف بودید، سپس بعد از این ضعف و ناتوانی قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد... (روم: ۵۴)

جوانان فطرتی پاک دارند و پاکی‌ها را می‌پذیرند و به آن جامعه عمل می‌پوشانند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در اوایل دعوت خود، با جوانانی روبه‌رو شد که سخنان پاک او را بر فطرت پاک خود نوشتند. ایشان می‌فرماید: «اوصیکم بالشباب خیراً فانهم ارق افنده...»؛ من شما را به نیکی با جوانان توصیه می‌کنم، به سبب این که آنها دلی رقیق و قلبی فضیلت پذیرتر دارند... جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۹۳)

دوران جوانی فرصتی بسیار ارزشمند و بی‌بدیل است. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «بادر شبابك قبل هرمك و صحتك قبل سقمك»؛ جوانی را قبل از پیری و سلامتی را قبل از مریضی دریاب. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۰)

برخی از فرصت‌طلبان از استعداد بکر و تازه جوانان سوء استفاده می‌کنند و آنان را به سوی قدرت، ثروت و شهوت سوق می‌دهند، اما اسلام با سه مقوله اخلاق، عقاید و احکام، دنیا و آخرت یک جوان را ترسیم نموده و وظایفی را اعم از دنیوی و اخروی برای جوانان و نوجوانان برشمرده است که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

الف) تحصیل علم و دانش

اسلام به فراگیری علم و دانش تأکید بسیار دارد و اولین آیه‌ای که نازل شده به خواندن و نوشتن امر کرده است: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ». (علق: ۵-۱) بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید، همان کسی که انسان را از خون بسته‌ای آفرید... همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد. اصلاحات جوامع انسانی از قلم‌های مؤمن شروع می‌شود و فساد و تباهی اجتماعات نیز از قلم‌های مسموم و فاسد مایه می‌گیرد. بی‌جهت نیست که قرآن به قلم و آنچه با

قلم می‌نویسند، سوگند یاد می‌کند: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ». (قلم: ۱) قلمی که می‌توان به واسطه آن علم را منتشر و در سینه تاریخ ماندگار کرد.

البیان، بیانان؛ بیان اللسان و بیان البنان و بیان اللسان تدرسه الأعوام و بیان الأقلام باقی علی مر الایام؛ بیان دو گونه است، بیان زبان و بیان قلم. بیان زبان با گذشت زمان کهنه می‌شود و از بین می‌رود، ولی بیان قلم تا ابد باقی است. (طبرسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۳۳۲)

قرآن تحصیل علم و دانش را پایه و مقدمه تربیت و تزکیه (بقره: ۱۲۹) و تعلیم را یکی از اهداف پیامبران برمی‌شمارد (بقره: ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲) و هیچ وقت عالمان و دانشمندان را با جاهلان مساوی نمی‌داند: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابرند؟ (زمر: ۱۹)

معصومین علیهم‌السلام اهمیت خاصی برای تحصیل علم قائل بوده‌اند تا جایی که پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تحصیل دانش را بر هر مسلمانی واجب دانسته (کلینی، ۱۳۴۵، ج ۱: ۲۸) و دانشجویان را مجاهد فی سبیل الله (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۷: ۲۰۷) خطاب می‌کنند و می‌فرمایند: هر کس در طریق تحصیل علم از دنیا برود، شهید مرده است. (قمی، بی‌تا، ج ۱، ماده شهاد)

در جای دیگر می‌فرمایند: زندگی جز برای دو کس فایده ندارد؛ یکی دانشمندی که نظرهای او اجرا گردد و دیگری دانش‌طلبانی که گوش به سخن دانشمندی دهند. (کلینی، ۱۳۴۵، ج ۱، باب صفة العلم) علم به دانشی گفته می‌شود که در طریق خدمت و صلاح مردم و شناخت معبود باشد و اگر مایه غرور و غفلت و ظلم و فساد باشد، قیل و قالی بیش نیست. (مکارم شیرازی، بی‌تا: ۳۹۶)

دوران فراگیری دانش، نوجوانی و جوانی است و بیشتر توجه و خطاب قرآن کریم و معصومین علیهم‌السلام به جوانان است. پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: فراگیری علم در دوران جوانی، همانند نقش بر سنگ است و در دوران پیری همانند نقش بر خاک است که سریع زایل می‌گردد. (کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۱۹)

لذا جوانان باید با توجه به مبانی دینی، به تحصیل علم بپردازند و عقب ماندگی و رشد نیافتگی مسلمانان را که ریشه در ظلم حاکمان ظالم و فاسد و توطئه دشمنان اسلام دارد، جبران نمایند.

(ب) کار و کوشش

جوان باید با نیرو و قدرت خود برای رسیدن به مقصود که تحصیل علم و هنر و یا آموختن صنعت و... است بکوشد. قرآن با بر شمردن زمینه‌های تلاش و کوشش در همین کره خاکی (حجر: ۱۹ و ۲۰؛ ملک: نبأ: ۱۰؛ نوح: ۱۱؛ بقره: ۱۲، ۲۹ و ۱۶۴؛ عبس:

۲۷-۳۲؛ نمل: ۱۰؛ فاطر: ۷) به استفاده صحیح از آن تو صیه می‌کند: «وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (انفال، ۲۶) خداوند شما را از نعمتهای پاکیزه بهره‌مند ساخت، شاید شکرگزار باشید.

در آیه‌ای دیگر کار و تلاش برای کسب روزی هم‌ردیف جهاد فی سبیل الله معرفی شده است: «وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (مزل: ۲) گروهی دیگر برای به دست آوردن روزی الهی به سفر می‌روند و گروهی دیگر در راه خدا جهاد می‌کنند.

علی علیه السلام در تفسیر آیه «وَ لَا تَتَسَنَّيْكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷) می‌فرماید: سلامت، نیرومندی، فراغت، جوانی و نشاط و بی‌نیازی خود را فراموش نما و در دنیا از آن بهره‌بر و متوجه باش که از آن سرمایه‌های عظیم، به نفع آخرت استفاده کنی. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۵۴)

خداوند در قرآن صریحاً می‌فرماید: «وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (اعراف: ۱۰) ما تسلط و مالکیت و حکومت زمین را برای شما قرار دادیم و وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم. به این معنا که خداوند وسایل تلاش را فراهم نموده است و دسترسی نداشته‌ها نشان کوتاهی و سستی خود ما ست، لذا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر شب ملائکه به زمین می‌آیند و ندا سر می‌دهند که ای فرزندان آدم! تلاش و کوشش نمایید. (نوری، بی‌تا، ج ۲: ۳۵)

پیامبر صلی الله علیه و آله با هر کسی روبه رو می‌شدند می‌پرسیدند: آیا شغلی داری؟ و اگر جواب منفی می‌داد، می‌فرمودند: سقط من عینی؛ از چشمم افتاد. (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۰۳) همچنین امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: خداوند از انسان بی‌کار و پر خواب متنفر است. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۸۸)

جوانان می‌توانند با استفاده از نیروی جوانی تلاش خود را در هر رشته‌ای مضاعف نمایند، تا به رفاه زندگی دنیا و آرامش ابدی آخرت دست یابند. امام باقر علیه السلام در دعاهایش می‌فرماید: اسئلك اللهم الرفاهية في معيشتي ما ابقيتني معيشة اقوي بها على طاعتك... (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۹۱: ۲۶۸) پروردگارا! در زندگی‌ام آنچه‌ایم رفاهی قرار بده که با آن به اطاعت و بندگی تو توانا شوم.

البته تلاش و کوشش برای کسب روزی باید از طریق صحیح و مشروع باشد. «طلب الحلال فريضة على كل مسلم و مسلمة» (همان، ج ۱۰۳: ۱) دنبال رزق و روزی حلال رفتن بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

ج) اهتمام به ازدواج

ازدواج از سنت‌های پیامبر اسلام ﷺ است که با آن می‌توان نصف دین خود را تضمین کرد. (قمی، بی‌تا، ج ۱: ۵۶۱)

قرآن کریم امر به ازدواج می‌کند و می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (نور: ۳۲) مردان و زنان بی‌همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد.

پیامبر اسلام ﷺ جوانان مجرد را مذمت می‌کنند و می‌فرماید: شرارکم عزائبکم. (طبرسی، بی‌تا، ج ۳، ذیل آیه ۳۲ سوره نور) بدترین شما مجردان‌اند.

خداوند صریحاً مسئله مالی خانواده‌ها را تضمین نموده است و جوانان نباید به خاطر فقر از ازدواج سر باز زنند. در زمان پیامبر ﷺ هر کسی از تنگدستی شکایت می‌کرد، پیامبر امر به ازدواج می‌نمودند. (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۴: ۲۵، ابواب مقدمات نکاح) و می‌فرمودند: هر کس به خاطر فقر از ازدواج شانه خالی کند، به خدا گمان بد برده است. (همان)

جوان برای رشد خود نیازمند به آرامش روحی و فکری دارد و این آرامش می‌تواند در سایه ازدواج مهیا شود. (روم: ۲۱) علاوه بر آن، ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است (مطهری، بی‌تا: ۲۵۱) و انسان را پخته (همان: ۳۹۸) و شخصیت او را اجتماعی می‌سازد و ثمراتی چون حفظ و تقویت ایمان و معنویت، بهره‌مندی از نشاط جوانی (فرهادیان، ۱۳۸۲: ۷) پاک‌ماندن از فساد و انحرافات جنسی، محفوظ ماندن از بیماری‌های عصبی و روانی و... را به ارمغان می‌آورد. (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱۴: ۴۵۶)

د) ایثار

ایثار یکی از بهترین صفات و بر گرفته از اخلاق نیکو است. در قرآن برای ایثار انواعی را بر شمرده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. ایثار از مال: قرآن می‌فرماید اگر کسی می‌خواهد به حقیقت نیکویی و به مرتبه عالی آن برسد باید از چیزهایی که مورد علاقه‌اش است انفاق کند (آل عمران: ۹۲)

این بالاتر از آن است که انسان چیزی را که محبوبش نیست به دیگران بدهد.

۲. ایثار از خواب: گاهی اوقات انسان با اینکه خیلی متمایل به خواب است از خواب خود می‌زند و این یعنی ایثار از خواب. قرآن در توصیف برخی اعمال مؤمنان می‌فرماید: آنان کسانی هستند که شبانگاهان که مردم در خوابند و خود آنان هم که در نهایت

استراحت در فراش خویش آرمیده‌اند از جای بر می‌خیزند و به عبادت خدا مشغول می‌شوند. (سجده: ۱۶) در روایت است که امام صادق علیه السلام فرمود: هر عمل صالحی که بنده انجام می‌دهد ثواب آن در قرآن بیان شده جز نماز شب که خداوند ثوابش را به دلیل عظمت آن بیان نفرموده است و آن گاه آیه مذکور را تلاوت فرمودند. (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۱۴۶)

۳. ایثار از شهوت: گاهی اوقات انسان در شرایطی قرار می‌گیرد که هر چند غریزه شهوانی او را تحریک می‌کند ولی انسان علیرغم خواسته نفس اماره با آن مخالفت می‌کند. قرآن در بیان داستان حضرت یوسف می‌فرماید: وقتی یوسف به سن بلوغ رسید و همسر عزیز مصر از او تقاضای امر نامشروع کرد یوسف با رد خواسته او و پناه بردن به خداوند گفت: نمی‌توان با خدایی که شأن مرا این چنین بالا برده مخالفت کرد و به خود ظلم کرد و به طور حتم ظالمان رستگار نخواهند شد. (یوسف: ۲۳)

۴. ایثار از فرزند: انسانها ذاتاً به فرزندان خود علاقه‌مندند و نمی‌خواهند به آنان کمترین گزندی برسد اما در قرآن داستان فردی بیان شده که به خاطر خدا از همین فرزند خود علیرغم علاقه شدید به وی می‌گذرد. قرآن ضمن بیان خواب حضرت ابراهیم مبنی بر قربانی اسماعیل می‌فرماید: وقتی که اسماعیل در خدمت پدر به حد کمال رسید، پدرش به او فرمود: من در خواب مأمور شده‌ام که تو را ذبح نمایم چه می‌گویی؟ اسماعیل عرض کرد: پدر به دستور عمل کن، تحمل و صبر می‌کنم. (صافات: ۱۰۲) اینجا ایثار پدر از نوع ایثار از فرزند بود و ایثار پسر از نوع ایثار از جان.

۵. ایثار از خانواده: در کنار علاقه به فرزند علاقه به خانواده نیز امری ضروری و غیرقابل انکار است. قرآن ضمن یادآوری داستان امتحان ابراهیم، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: به یادآور آن زمان که ابراهیم عرض کرد: خدایا من اسماعیل و مادرش را در سرزمین بی آب و علف (مکه) در کنار خانه و حرم تو مسکن دادم تا در آن مکان خلوت اقامه نماز کنند. (ابراهیم: ۳۷)

۶. ایثار از جان: این نوع ایثار بالاترین نوع آن به شمار می‌رود، زیرا جان هر فردی عزیزترین چیز برای اوست اما بودند افرادی که از همین جان عزیز هم گذشتند که نمونه‌های آن در تاریخ بسیار است. قرآن در بیان صفات مؤمنین - که البته در اینجا طبق نقل تفاسیر، آیه در مورد امیرالمؤمنین و ایثار او در لیلۃ المبیت است - می‌فرماید: در برابر منافقین کسانی هستند که جان خود را در راه رضایت خدا فدا می‌کنند و خداوند نیز به حسب الفتی که با بندگان خود دارد با آنان رفتار می‌کند. (بقره: ۲۰۷)

منابع و مأخذ:

قرآن

نهج البلاغه

- تميمی آمدی، محمد (۱۳۶۶)، *عمر والحکم و دررالکلم*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- حر عاملی (بی تا)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا)، *تفسیر المیزان*، قم: نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طبرسی (بی تا)، *مجمع البیان*، بیروت: دارالمعرفه.
- علاءالدین حسام الدین، متقی هندی (۱۴۰۹ق)، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، بیروت: مؤسسه الرساله.
- فرهادیان، رضا (۱۳۸۲)، *آنچه یک جوان باید بداند*، قم: بوستان کتاب.
- قمی، شیخ عباس (بی تا)، *سفینه البحار*، ۲ جلد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، *تفسیر القمی*، ۲ جلد، ج ۴، قم: دارالکتاب.
- کراچکی (۱۴۱۰ق)، *کنز الفوائد*، قم: دارالذفانه.
- کلینی محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *روضه الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی محمد باقر (۱۳۶۲)، *بحار الانوار*، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- محدث نوری، میرزا حسین (بی تا)، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- مظهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *آشنایی با علوم اسلامی*، ج ۶، تهران: صدرا.
- _____ (بی تا)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

دوفصلنامه تخصصی «اندیشه‌های قرآنی» / سال چهارم / پاییز و زمستان ۱۳۹۶

۱۶